

عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان

روانسر

بهاره سلطانی^۱، فرشته محمدی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجاه‌وپنج، سال ۱۴۰۱، صفحات ۴۵۶-۴۴۹

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر و بزهکاری به‌عنوان یکی از مشکلات مهم در جامعه امروز یاد می‌شود. مطالعات متعددی در زمینه سبب‌شناسی پدیده اعتیاد و علل بزهکاری در میان جوانان و زنان به‌عمل‌آمده و محققان عوامل مختلفی را در ارتباط با شیوع اعتیاد و گرایش به بزهکاری معرفی کرده‌اند. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر می‌باشد. روش مطالعه از نوع توصیفی-تبیینی و به لحاظ ماهیت کاربردی می‌باشد و از نظر اجرا پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق ۱۰۰ نفر از جوانان و زنان شهرستان روانسر می‌باشد که به‌صورت تصادفی در دسترس انتخاب گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss-22 استفاده گردید. نتایج نشان داد فقر فرهنگی، دوستان ناباب، فقر اقتصادی خانواده، اعتیاد والدین و ازهم‌گسیختگی و طلاق والدین بر گرایش جوانان و زنان به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم اعتیاد و بزهکاری یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی و اقتصادی و بهداشتی است که عوارض ناشی از آن تهدیدی جدی برای جامعه بشری محسوب و موجب رکود اجتماعی در زمینه‌های مختلف می‌گردد.

کلیدواژه: اعتیاد، بزهکاری، جوانان، زنان.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجاه‌وپنج، سال ۱۴۰۱

مقدمه

اختلالات سو مصرف مواد از رایج‌ترین مشکلات روان‌پزشکی است که از تعامل ژنتیکی و محیطی مثل نابهنجاری‌های رشدی و وضعیت نامساعد روانی- اجتماعی ناشی می‌شود (پاتس و ریلی، ۲۰۱۰). تصور اکثر افراد جامعه در مورد اعتیاد این است که مواد مخدر و سوء مصرف مواد عمدتاً پدیده‌ای مردانه است. در حالی که زنان هم همپای مردان در معتاد شدن پیش می‌روند (ابراهیمی و فتاحی، ۱۳۸۳). زمان معتاد در مقایسه با مردان معتاد در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به مشکلات روانی هستند. امید به زندگی پایین، خودکارآمدی و سبک‌های مقابله با استرس پایین، کمبود قدرت‌های تطابقی در فرد برای مقابله با حوادث روزانه زندگی می‌تواند مقدمه ایجاد اعتیاد یا از نتایج اعتیاد باشد (شایگان، ۱۳۹۰). زنان، نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و وظیفه مادری و تربیت نسل آینده را به عهده‌دارند در حالی که نخستین قربانیان بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی هستند که در این میان، اعتیاد اگرچه اولین و عمده‌ترین، بلکه یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. هر جا پای اعتیاد باز می‌شود، زنان در صف نخستین آن قرار دارند؛ چراکه بیشترین آسیب‌ها از اعتیاد پدر، برادر، فرزند، همسر و حتی دوست و همکار به آن‌ها وارد می‌شود. از طرفی دیگر، موضوع اعتیاد زنان، مشکل اجتماعی پنهانی است؛ زیرا فضای سنتی حاکم بر خانواده‌ها و جامعه به زنان معتاد اجازه نمی‌دهد که اعتیادشان را اعلام کنند. به علاوه در فرهنگ ایران، مصرف مواد در زنان از مردان ناهنجارتر تلقی می‌شود و در نتیجه زنان معتاد برای دریافت خدمات ترک و درمان اختلالات روانی ناشی از مصرف مواد با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند (نجاری، ۱۳۸۶). به همه موارد باید این نکته را نیز افزود که وجود مادر معتاد می‌تواند آسیب‌های جدی به تعاملات رابطه با همسر و فرزندان و در نتیجه به جامعه وارد سازد؛ چراکه در بسیاری از موارد، بنیان خانواده زنان معتاد، متزلزل است و نمی‌توانند کانون خانواده را سالم و سرپا نگاه‌دارند. گاهی برای رسیدن به مواد مخدر از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند و ممکن است احساسات، عواطف و حتی مادر بودن خود را زیر پا بگذارند؛ به همین دلیل، اعتیاد چالش‌های بسیار و در عین حال متفاوتی برای سلامت زنان ایجاد می‌کند. مطالعات اخیر نیز نشان می‌دهد که دختران در مقایسه با پسران، سریع‌تر تحت تأثیر سوء مصرف مواد قرار می‌گیرند و از پیامد آن آسیب می‌بینند (کاکویی و قوامی، ۱۳۹۳). اعتیاد یک بیماری مزمن و عودکننده است که عوامل مختلف ژنتیکی، روانی، اجتماعی و محیطی در تعامل با یکدیگر منجر به شروع و تداوم این بیماری می‌شود. همانند دیگر بیماری‌های روانی، اعتیاد از چندین عامل نشأت می‌گیرد که در هر فرد، ممکن است گروه خاصی از عوامل مداخله‌گر شرکت داشته باشد و اگر در درمان اعتیاد یکی از عوامل مدنظر قرار گیرد و از سایر عوامل چشم‌پوشی شود، به فرض تأثیر آن عامل، عوامل دیگر می‌توانند تأثیر عامل مورد نظر را کاهش دهد. اعتیاد در کنار سوء تغذیه و آلودگی‌های محیط‌زیست از مشکلات بزرگ جوامع بشری است که متأسفانه تمامی جوامع صنعتی و غیر صنعتی را گرفتار کرده است (میرزایی، ۲۰۱۱). ویژگی اصلی اختلال مصرف یک ماده مجموعه‌ای از علائم شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی است که نشان‌دهنده تداوم مصرف ماده از سوی فرد به‌رغم مشکلات چشمگیر مرتبط با ماده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳). این بیماری یک بیماری مزمن، طولانی‌مدت با فرآیند بازگشت مجدد است که با دوره‌های بهبود و بازگشت مشخص می‌گردد. از بین افرادی که دارای تشخیص اختلالات مصرف مواد مخدر هستند و اقدام به ترک می‌نمایند، دوسوم به مصرف مجدد آن اقدام می‌کنند (اسنیها، ۲۰۱۱). نورکو و همکاران (۱۹۹۸) مسئله عود را در سه ماهه‌ی اول مراجعه جهت درمان نشان دادند و میزان آن را ۶۶ درصد در

عرض شش ماه مطرح کردند. به همین دلیل برخی از متخصصین از لفظ اختلال مزمن و عودکننده برای توصیف اعتیاد استفاده می‌کنند (براون، ۱۹۹۸). ترک جسمانی مواد مخدر چندان مشکل نیست، مشکل عمده در درمان معتادان حتی با دوره‌ای پاک‌ی طولانی مدت، میزان بالای عود آن‌هاست (یان و نایشیتنا، ۲۰۰۹). در بررسی عوامل مؤثر در بازگشت به اعتیاد در حال حاضر آمار دقیقی از این‌که چند درصد از معالجه شدگان مجدداً به مصرف مواد بازگشته‌اند به صورت دقیق وجود ندارد، اما افزایش مبتلایان به سوءمصرف مواد مخدر در کشور می‌تواند بیانگر این بحث باشد که روش‌های درمانی انجام شده مؤثر یا جامع نبوده‌اند (میرزایی، ۲۰۱۱). با توجه به آن‌که آمار اعتیاد رو به افزایش بوده و پدیده اعتیاد همان‌گونه که به‌عنوان بالای قرن از آن یادشده علاوه بر هزینه مالی فراوان، اثرات زیادی بر همه جوانب زندگی فرد می‌گذارد؛ بنابراین، مداخلات صورت گرفته باید عمیق باشد. این نکته موردتوجه است که توجه به جوانب روان‌شناختی در درمان اعتیاد نقش مهمی در کاهش عود آن، ریزش بیماران از درمان و افزایش سطح تحمل برای ترک شده و باعث بهبود علائم روان‌شناختی برانگیزاننده فرد به سمت مصرف در طول درمان می‌شود. اعتیاد با ویژگی‌هایی همچون رفتارهای اجباری، وسوسه‌های مقاومت‌ناپذیر، رفتارهای جستجوگرانه مواد و مصرف مداوم آن حتی در شرایطی که پیامدهای منفی بسیاری برای فرد به همراه دارد، مشخص می‌شود. حالت و حس آرامشی که به دنبال مصرف در فرد ایجاد می‌شود، اغلب موجب میل بیش‌ازحد برای استفاده از این ماده می‌گردد و شخص پس از اتمام اثرات مطلوب و به علت تخلیه شدید انرژی و بااحساس خستگی مفرط ناچار به مصرف مجدد روی می‌آورد و در چرخه‌ای نابودگر و ویران‌کننده می‌افتد که خروج از آن مستلزم باید‌های بسیاری است. همچنین از آنجائی که پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای در گرو سلامتی آن جامعه از هر نظر می‌باشد، لذا تحقیق در مورد پدیده بزهکاری نوجوانان بسیار رهگشا برای علت‌یابی جرائم و خطاها می‌باشند تا از این طریق بتوان کمبودها و نارسائی‌ها را دریافت و درصدد رفع این مشکلات اقدام نمود. همچنین می‌توان تأکید بر این نکته کرد که از این طریق شاید بتوان مشکلات جامعه و خصوصاً نسل نوجوان و زنان که می‌توان گفت حساس‌ترین نقطه انعطاف‌پذیر یک جامعه هستند را به نحوی رفع نمود تا آنجا که بتوان از این راه یک استراتژی برای پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمود. جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت‌آمیز با هم‌نوعان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیر بنایی و ریشه‌ای مختلفی ازجمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و درعین‌حال تفاوت‌هایی که در معیارهای سنجش ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگونی وجود داشته، یک توافق و تفاهم عمومی و جهان‌شمول استقرار نیافته است. وانگهی، تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه‌ی انسانی تلقی می‌شود. جوانان و به‌خصوص زنان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده‌ی سلامت جامعه در آینده است؛ بنابراین مسائل آنان ازجمله مسائلی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای مبذول داشت. بررسی ریشه‌ای مسائل از آن جمله بزهکاری جوانان و زنان، برای رسیدن به یک جامعه‌ی ایدئال شرطی ضروری است. اصولاً بزهکاری عبارت است از جرائم کم‌اهمیت و چون نوجوانان معمولاً مرتکب این نوع جرائم می‌شوند، در مورد نوجوانان استفاده از واژه بزهکاری بهتر از استفاده از واژه مجرمیت است. با یک تعریف ساده می‌توان گفت، نوجوان بزهکار فردی است که قبل از رسیدن به سن هیجده سالگی، مرتکب جرم می‌شود. درواقع از قدیم‌الایام گفته‌اند،

پیشگیری بهتر از درمان است. طبعاً اگر نوجوانی به هر دلیلی از ابعاد جسمانی، روانی و رفتاری به نقصان و یا انحرافی مبتلا گردد، قهراً بازپروری وی مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت و مضاعفی خواهد بود. برخورداری از یک سیاست جنائی و کیفری متناسب با شرایط و وضعیت نوجوانان می‌تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیشگیری از وقوع جرائم در آینده است، کمک فراوانی کند. از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی به دو طبقه بزهکاری و جرم قابل تقسیم است. گفتنی است که این طبقه‌بندی نه برحسب نوع و شدت رفتار انحرافی، بلکه بر اساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی است؛ بنابراین، چنانچه رفتار انحرافی توسط بزرگسالان صورت گرفته باشد، آن را جرم می‌نامند و در صورتی که توسط نوجوانان و جوانان انجام شده باشد، به‌عنوان بزهکاری محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴). بزهکاری نوجوانان و زنان با اثر منفی روانی، اقتصادی و اجتماعی مباحث مهم ایران هستند؛ زیرا جامعه‌ی ایران از نظر ساختار جمعیتی، کشوری با جمعیت نوجوان و جوان است. نوجوانان و جوانان بزرگ‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شوند، شناخت وضعیت اجتماعی و اقتصادی مجرمین نوجوان و زنان، برای مریبان مسائل تربیتی، مددکاران اجتماعی، افراد پلیس و تمامی کسانی که با جوان و نوجوان به‌گونه‌ای در تماس هستند، جهت برنامه‌ریزی دقیق و بازسازی به‌منظور به حداقل رساندن جرم در جامعه می‌تواند مفید باشد. نحوه رفتار و روابط پدر و مادر در خانواده یا نداشتن محیطی نشاط‌آور و فرح‌بخش تأثیری نامطلوب در روح نوجوان و جوان می‌گذارد. هر نوجوان و جوانی در کانون خانواده احتیاج به حمایت و محبت از طرف والدین خود دارد (صدیق، ۱۳۷۶). عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است و تنها نمی‌توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت. عوامل مختلفی نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیولوژیکی و ... در کنار هم باعث می‌شوند که بزهکاری در نوجوانان و زنان به‌منصه‌ی ظهور برسد. برخی از پژوهشگران معتقدند زمانی که بحران‌های اقتصادی- اجتماعی کانون خانواده را در برمی‌گیرد، مخصوصاً در شرایط فقر و بیکاری خانواده دچار بحران خواهد شد در این شرایط طیف وسیعی از انسان‌ها ناچارند برای تأمین معاش خود به کارهای خسته‌کننده و آن‌هم در ساعاتی طولانی تن به کار دهند، در چنین شرایطی جایی برای توجه به دیگر فرزندان باقی نمی‌ماند. بزهکاری پدیده اجتماعی جهانی است که معمولاً برای جرائم نوجوانان زیر ۱۸ سال به‌کاربرده می‌شود. گرچه، جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه‌رو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به‌کاربرده می‌شود که اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می‌دهند. با توجه به این‌که احکام در جامعه‌های گوناگون متفاوت است، فرد متخلف در یک جامعه ممکن است در جامعه دیگر از تخلف مبری باشد. روابط افراد در جامعه بر نظم و قواعد خاصی استوار بوده است. در حقیقت، زندگی اجتماعی از طریق این قواعد یا هنجارهای اجتماعی تداوم می‌یابد. وقتی که اعمال و رفتار افراد برخلاف هنجارها و انتظارات عمومی می‌باشد، از آن تحت عنوان انحراف اجتماعی یاد می‌شود. البته انحراف اجتماعی به لحاظ زمان، مکان، مقام و ... امری نسبی است. در کشورها بزهکاری به مجموعه کل جرائمی گفته می‌شود که در صورت ارتکاب، مجازات‌هایی از قبیل قصاص، دیات، حدود و تعزیرات را در پی دارد. هر روز در کنار ما چندین بار از این جرائم به وقوع می‌پیوندد و وقتی روزنامه‌ها را ورق می‌زنیم در صفحه حوادث با انواع بزهکاری آشنا می‌شویم، چاقوکشی، ضرب و جرح، دزدی، تجاوز و وقتی از خیابان عبور می‌کنیم سازمان‌هایی نظیر کانون اصلاح و تربیت، نیروی انتظامی و دادگاه‌هایی را می‌بینیم که برای مجازات این‌گونه افراد به وجود آمده‌اند. پیچیدگی عوامل مؤثر در پدیده

بزهکاری سبب شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاهی خاص بررسی کنند. از آنجاکه پدیده اعتیاد به مواد مخدر مسئله‌ای جهانی است که همه کشورها به‌نوعی با آن درگیرند و هر یک با توجه به زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود راه‌حلهایی را برای برخورد با این معضل برمی‌گزین (آقابخشی، صدیقی و اسکندری، ۱۳۸۹). بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رهیافت علمی و از نوع پیمایش علمی بوده است. پیمایش غالباً با تعیین افرادی که نماینده و معرف گروه موردبررسی‌اند (نمونه) و طرح سؤالاتی که باید از آن‌ها پرسیده شود، آغاز می‌شود. در تحقیق حاضر از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌ی پیمایش خود اظهاری به دست آمد. یکی از روش‌های مرسوم در علوم اجتماعی روش پیمایشی است. پژوهش حاضر نیز یک بررسی پیمایشی است. روش پیمایشی را می‌توان به‌عنوان روشی در جمع‌آوری داده‌ها که بر اساس آن گروه معینی از افراد به پرسش‌های یکسانی پاسخ می‌دهند، تعریف کرد. جامعه آماری، کلیه مراکز ترک اعتیاد شهرستان روانسر می‌باشد که در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ مشغول به فعالیت بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. از بین مراکز در دسترس که تمایل همکاری با پژوهش را دارند ۵ مرکز انتخاب و تعداد ۱۵۰ نفر از مراجعه‌کنندگان به این مراکز به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ی پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه تکنیکی بسیار ساختمانمند و پرکاربردترین تکنیک گردآوری داده‌های پیمایشی است. به این دلیل که شیوه‌ی کارآمدی برای تشکیل ماتریس متغیر برحسب مورد برای نمونه‌های بزرگ است. پس از انتخاب جامعه‌ی آماری و تنظیم پرسش‌نامه‌ها، مراکزی که تمایل به همکاری داشتند انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها در بین جوانان و زنان مصرف‌کننده مواد مخدر آن مراکز توزیع گردید. سپس، توضیحات لازم از سوی روان‌شناسان مراکز در مورد نحوه تکمیل پرسش‌نامه‌ها و محرمانه ماندن اطلاعات دریافتی، به آزمودنی‌ها ارائه شد و آن‌ها در حضور روان‌شناس مرکز خود، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند تا در صورت نیاز، از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. از آنجایی که احتمال ریزش وجود داشت، تعداد ۱۵۰ پرسش‌نامه، طی ۶۰ روز توزیع و جمع‌آوری گردید. در نهایت تعداد ۵۰ پرسش‌نامه، به دلیل ناقص و مخدوش بودن کنار گذاشته شد و داده‌های مربوط به ۱۰۰ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی مربوط به علت بزهکاری و اعتیاد در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب علت بزهکاری و اعتیاد در آنان

متغیر	تعداد	فراوانی	درصد
فقر فرهنگی	۱۵۰	۲۴	۱۵/۲۱
دوستان ناباب	۱۵۰	۳۹	۲۵/۳۳
فقر اقتصادی خانواده	۱۵۰	۲۷	۱۷/۰۹
اعتیاد والدین	۱۵۰	۲۹	۲۰/۲۳
ازهم‌گسختگی و طلاق والدین	۱۵۰	۳۱	۲۲/۱۴

بر اساس جدول شماره ۱، از ۱۵۰ نفر آزمودنی شرکت‌کننده در پژوهش، ۲۴ نفر آن‌ها علت بزهکاری آن‌ها مربوط به فقر فرهنگی (۱۵/۲۱ درصد)، ۳۹ نفر مربوط به دوستان ناباب (۲۵/۳۳ درصد)، ۲۷ نفر مربوط به فقر اقتصادی خانواده (۱۷/۰۹ درصد)، ۲۹ نفر مربوط به اعتیاد والدین (۲۰/۲۳ درصد) و ۳۱ نفر مربوط به ازهم‌گسختگی و طلاق والدین (۲۲/۱۴ درصد) بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین پابندی مذهبی خانوادگی و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۱ بود که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است. در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی متغیرهای پابندی مذهبی خانوادگی و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
پابندی مذهبی خانوادگی	همبستگی	۰/۲۱
	سطح معناداری	۰/۰۲

همچنین نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین میزان فقر فرهنگی و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۳ بود که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است. در جدول ۳ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی متغیرهای فقر فرهنگی و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
فقر فرهنگی	همبستگی	۰/۲۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۳

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین میزان دوستان ناباب و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۳۹ بود که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. در جدول ۴ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی متغیرهای دوستان ناباب و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
دوستان ناباب	همبستگی	۰/۳۹
	سطح معناداری	۰/۰۰۱

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین میزان فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۷ بود که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است. در جدول ۵ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۵. ضرایب همبستگی متغیرهای فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
فقر اقتصادی خانواده	همبستگی	۰/۲۷
	سطح معناداری	۰/۰۳

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین اعتیاد والدین و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۹ بود که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است. در جدول ۶ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی متغیرهای اعتیاد والدین و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
اعتیاد والدین	همبستگی	۰/۲۹
	سطح معناداری	۰/۰۰۴

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین ازهم‌گسیختگی و طلاق والدین و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۳۲ بود که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است. در جدول ۷ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۷. ضرایب همبستگی متغیرهای ازهم‌گسیختگی و طلاق والدین و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
ازهم‌گسیختگی و طلاق والدین	همبستگی	۰/۳۲
	سطح معناداری	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که به دلیل نقش مهم مادری و تربیتی زنان در خانواده و جامعه، ارتکاب ایشان به جرم نیز اثرات منفی بسیار زیادی در این دو نهاد بزرگ اجتماعی خواهد گذاشت. زمانی که مادران به هر دلیلی اعم از فوت، طلاق، بزهکاری و زندان در خانه حضور نداشته باشند، تربیت فرزندان دچار اشکال می‌شود و بستر مناسبی برای بزهکاری نوجوانان و جوانان فراهم می‌شود. بر اساس نتایج تحقیقات جبلی و صفدری، ازهم‌گسیختگی خانوادگی و اختلاف والدین و مشاجره‌ی آن‌ها در بزهکاری زنان در آینده تأثیر دارد، اگر زمینه‌های لازم برای جوانان و زنان در خانواده و بیرون از آن‌ها مهیا باشد و والدین میزان صمیمیت خود را با فرزندان خود را بیشتر کنند، احتمالاً میزان اعتیاد و جرم آن‌ها نیز کمتر خواهد شد، اگر در بین افراد خانواده بخصوص جوانان و زنان میزان مصرف مواد مخدر کمتر شود میزان ارتکاب جرم نیز به زیادی کاهش می‌یابد، اگر والدین به فرزندان خود احترام به قانون و مجریان آن‌ها را آموزش دهند نیز در این زمینه می‌توان امیدوار بود که از میزان جرم پیدا می‌کند، اگر افراد جامعه نیروی انتظامی و بخصوص پلیس را برای جامعه مفید بدانند از میزان جرم انجام‌شده کاسته می‌شود، اگر خانواده‌ها کنترل لازم را برای دوست‌یابی جوانان و زنان داشته باشند میزان ارتکاب جرم کم می‌شود و اگر از رابطه با دوستان ناباب جلوگیری شود معمولاً می‌توان امیدوار بود که دیگر کمتر این نسل از افراد به‌طرف کارهای خلاف کشیده می‌شوند. نظریه‌ی انحراف فرهنگی، ویژگی‌های محیطی و شرایطی که افراد در آن زندگی و کار می‌کنند به‌عنوان مؤلفه‌های بالقوه‌ی جرم، ایفای نقش می‌کنند. کلوآد و اوهلین در نظریه‌ی فرصت افتراقی فرض را بر این می‌گذارند

که با توجه به وضعیت افراد پرورش‌یافته در محلات پرازدحام و فقرزده، احتمال پیدایش بزه و رفتارهای انحرافی بیشتر است و نظریه پردازان انحراف فرهنگی، محیط و خرده‌فرهنگی را که افراد در آن بزرگ‌شده‌اند را عامل اصلی بزهکاری می‌دانند. همچنین جامعه‌شناسان میزان بزهکاری در محدوده‌های شهرها و محلات فقیرنشین را زیادتر از شهرها می‌دانند (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳). به دلیل اینکه پژوهش در شهرستان روانسر بر روی جوانان و زنان انجام شده برای تعمیم نتایج به سایر جامعه‌ها باید با احتیاط برخورد کرد. پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان از طریق مشاوره و مداخله‌های درمانی اقدامات لازم را جهت کاهش بزهکاری و اعتیاد مراجعان انجام دهند. همچنین درمانگران در درمان اعتیاد و بزهکاری نیز توجه کنند و از آنجایی که بین اعتیاد و بزهکاری یک رابطه دوسویه وجود دارد به مشاوران و درمانگران پیشنهاد می‌شود در برنامه آموزشی خود شیوه‌هایی برای مقابله با اعتیاد و بزهکاری را آموزش دهند.

منابع

- آقابخشی، حبیب؛ صدیقی، بهرنگ و اسکندری، محمد (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به سوءمصرف مواد مخدر صنعتی. فصلنامه ی پژوهش اجتماعی، ۲(۴)، ۱۹-۱.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
- ابراهیمی، سیدمحمد و فتاحی، مزده (۱۳۸۳). آسیب شناسی اعتیاد زنان. نشریه اصلاح و تربیت، ۱۱۳، ۸-۳.
- شایگان، اسحاق (۱۳۹۰). تأثیر اعتیاد زنان باردار بر جنین و نقش پلیس زن در درمان آنان. مجله جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی پلیس زن، ۱۴، ۳۲-۴۰.
- شایگان، فریبا و معتمدی، صدیقه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان (مقایسه ی زنان بزهکار با زنان غیربزهکار تحت پوشش بهزیستی رباط کریم). مطالعات راهبردی زنان، ۱۶(۶۳)، ۱۹۸-۱۶۳.
- صدیق، رحمت الله (۱۳۷۶). تحلیل نظریه های مربوط به کجروی های اجتماعی، نشریه علوم تربیتی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی، ۱۱(۱)، ۶۶-۵۵.
- Brown, BS. (1998). Drug use-chronic and relapsing or a treatable condition? Substance use misuse. 33, 2515-20.
- Nurco, DN., Kinlock, T.W., O grady, KE., Hanlon, TE. (1998). Differential contribution of family and peer factors to the ethiology of narcotic addiction. Drug Alcohol depen, 5, 229-37.
- Pates, R., Riley, D. (2010). Interventions for Amphetamine misuse. United states: Black well publishing LTD.
- Sinha, R. (2011). New findings on Biological factors predicting addiction.
- Yan, Y., & Nabeshitna, T. (2009). Mouse model of relapse to the abuse of drugs:procedural considerations and characterizations. Behavioural brain research, 196(1), 1-10.